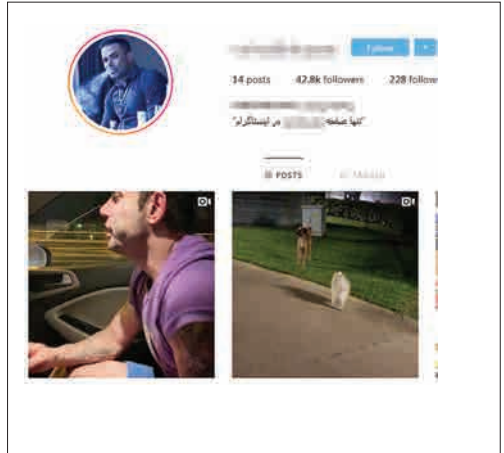
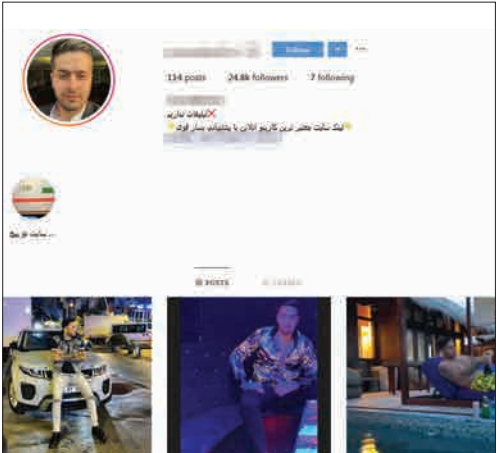


در هر بار تمرین پناهگیری، در محل‌های امن پناهگیری کنید تا انجام این عمل در زمان وقوع زلزله، نیاز به صرف وقت نداشته باشد.

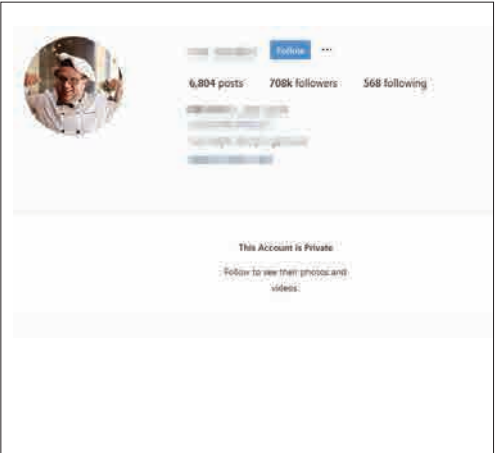
کسانی «خزل ای» را دنبال کنند هایشان است. می‌گویند حالا تین ترن کچمو گر جستان است



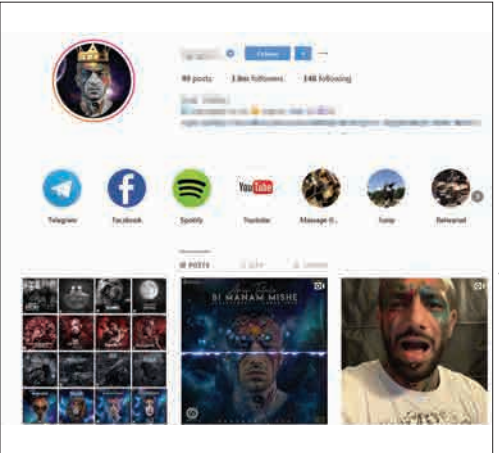
«مهرنیزه»، آقندر حاشیه‌دار در کانال پیج هاشم توپساز از تریب مخابران بسته می‌شود



بانوهین به منتقدان از طرف قد ار انش خواست تویج منتقدان را ر پیور ت کند



مقصود او ناشگر مخابرانش کورد کانت را شکسته است



## گزارش «شهروند» از پدیده لشکر کشی های مجازی تعدادی از کاربران ایرانی شبکه های اجتماعی به بهانه ماجرای در گیری لفظی «مستر تیستر» با منتقدانش

# یکه تازی ژنرال های مجازی

**شهروند** | همه به خط. آماده؟ حمله.

شبکه های مجازی تبدیل به مقر فرماندهی شده اند؛ آنها حرف می زنند، خط می دهند، تبلیغ می کنند، پیشنهاد می دهند، محروم می کنند، تنبیه می کنند و دستور می دهند! لشکری دارند که گوش به فرمان شان است، آدم هایی که منتظر دستورات اند. از کجا چه بخرند، چه فعلیتی کنند، به کجا کمک مالی کنند، چه لوازم آرایشی و از کدام برند بخرند، بچه های شان را چطور تربیت کنند؟ رستوران و کافه کجا بروند؟ چه کنند؟ چطور زندگی کنند؟ چطور از دواج کنند و...

شبکه های اجتماعی در ایران پر است از بلاگر های معروف که خط زندگی مردم را تعیین و هدایت شان می کنند و در آخر از آنها می خواهند در مسیر اهداف شان حرکت کنند؛ بخشی از این فعالیت های مجازی، حرکت در مسیر فعالیت های انسان دوستانه، خیر خواهانه، کمک به بیماران و فعالیت های محیط زیستی است و به نظر می آید برای افزایش آگاهی و اطلاعات مردم و رشد شخصیت اجتماعی و فرهنگی شان انجام می شود اما بخشی دیگر مربوط است به فعالیت هایی به عنوان مدیران یکی از کانال ها یا صفحه های مجازی که دنبال کننده های شان را جهت دار به سمت فعالیت های سودجویانه سوق می دهند و در این زمان است که ماجرای دیگری پیش می آید. **مستر تیستر** با ۷۰۸ هزار دنبال کننده یکی از همین فرماندهان مجازی است که تعداد دنبال کننده هایش به او قدرت مجازی داده است. ماجرا از انتشار عکس های یادگاری اش با یک شتر زنده و بعد با سر بریده شده آن شتر شروع شد که ظاهراً تبدیل به یک وعده غذایی شده بود. بعد از آن یک کاریکاتور **یست گیاهخوار**

که صفحه اینستاگرامی اش پر از طرح هایی در حمایت از حقوق حیوانات است، کاریکاتور **مستر** را کشید؛ سر بریده **مستر** روی بشقاب و بشقاب در دست **شتر**. این آغاز ماجرای خشن بود؛ با انتشار این کاریکاتور، **مستر تیستر** معترض شد، به کاریکاتور **یست** که از قضان هم بود، پیام شخصی داد و کار به فحاشی، استفاده از الفاظ کجک و توهین و تهدید رسید. یک روز بعد، در گیری فراتر از اینها رفت و از برخورد با آن کاریکاتور **یست** به فعالان محیط زیست و حیوانات و در نهایت فعالان حوزه زنان کشیده شد؛ آنها حالا به این معترضند که چرا **مستر** در برخورد بازن کاریکاتور **یست** از توهین های جنسیتی استفاده کرده و شنیده های مجازی نشان می دهد، عده ای در حال تنظیم شکایت از او هستند. **مستر تیستر** حالا معترضان را با ۷۰۰ هزار دنبال کننده اش تهدید می کند، کسانی که او به آنها اگر دستور دهد، سراغ شان می آید و صفحه شان را به اصطلاح «**پیور**» می کنند. تعدادی از دنبال کننده های او هم در چند روز گذشته، به دستور او، سر تعظیم فرود آورده اند.

«**تولو**» یا همان «**امیر حسین مقصودلو**»، خواننده پر حاشیه ایرانی، نمونه دیگری است؛ صفحه او که چندی پیش با چهار میلیون دنبال کننده، به دلیل فحاشی و استفاده از الفاظ رکیک علیه زنان، از سوی اینستاگرام از دسترس خارج شد و حالا در صفحه جدیدی با یک میلیون و ۸۰۰ هزار دنبال کننده، فعالیت می کند، روز روز پیش، انتشار آهنگ جدیدش را مشروط به جمع شدن هفت میلیون کامنت کرد. **هواداران** تاروز بعد، ۹ میلیون کامنت برایش گذاشتند (اتفاق) که به نظر می رسد رکورد تعداد کامنت در اینستاگرام را شکسته است) اما چون در مدت تعیین شده این اتفاق نیفتاده بود، **تولو** آنها را

جریمه کرد و گفت که باید تعداد کامنت ها را به ۱۳ میلیون برسانند و آنها هم پیروی کردند؛ مرد جوانی که برای دنبال کننده هایش شرط گذاشت که اگر به تعداد خاصی در «**لایو**» اینستاگرامی او شرکت کنند، با همسرش آشتی می کند، یکی دیگر از نمونه هاست.

کم نیستند بلاگر های پر طرفداری که این روزها به ویژه در اینستاگرام یکه تازی می کنند؛ آنها ارتش شان را به بخش های مختلفی سوق می دهند، از آنها می خواهند تا در فلان صفحه از آنها حمایت کنند، لایک و نظر بدهند، محصولات معرفی شده را بخرند و در نهایت بازتاب ها را با افتخار منتشر می کنند.

حالا آنها که به جامعه شناسی علاقه مندند و به فضای مجازی، وقت حرف زدن درباره آن چه این روزها در شبکه های اجتماعی در ایران می گذرد، می گویند وقت برسی جدی رفتار ایرانی هادر فضای مجازی به طور جدی از راه رسیده است. کسانی مانند «**احمد بخارایی**» جامعه شناس از مریدان و مرادان مجازی می گویند و نیروی دافعه در دنیای واقعی و جاذبه ویرانگر در دنیای مجازی. روانشناسی مانند «**امیر حسین جلالی**» دنباله روی بی چون و چرای مجازی را نوعی اختلال اجتماعی – فرهنگی می دانند که به دنبال گشتن برای هویتی تازه در بین ایرانی ها ایجاد شده است و بعضی فعالان حقوق حیوانات مثل «**سپهر سلیمی**» در واکنش به ماجرای اخیر «**مستر تیستر**» می گویند غذایی که می خوریم صرفاً یک انتخاب شخصی نیست و نمی توان تبلیغ برای غذا توسط بلاگر ها را تنها یک تبلیغ تجاری برای سلیقه و طعمی خاص دانست. به اعتقاد تعدادی از فعالان محیط زیست و حقوق حیوانات، اثر گذاری کسانی

### دنباله روی بی چون و چرای مجازی نوعی اختلال اجتماعی – فرهنگی

در این اتفاق دو موضوع نهفته است؛ اول این که چگونه می شود جامعه به این گونه اشخاص رو می آورد و دوم این که چطور بی فکر از آنها تبعیت



امیر حسین جلالی ندوشن

روایتگر شک

می کنند، البته هر دوی اینها چه روی آوری، چه پیروی کور کورانه نشان از وجوه بیمارگونی از فرهنگ برخی افراد در جامعه ما هستند و باید مورد توجه قرار بگیرند، چون نوعی اختلال فرهنگی است. در واگاری این مسأله چند موضوع وجود دارد؛ بعضی از این اشخاص در صفحات شان موضوعاتی را ترویج می کنند که به نوعی می تواند آرزومند دنبال کنندگان شان باشد. به عنوان مثال کسی که به رستوران ها سر می زند و در هتل های خوب اقامت می کند، افراد از او پیروی می کنند، چون آن فرد به شکل نیابتی لذت هایی را که از آن محروم است یا به آن شکل نمی تواند داشته باشد، در زندگی او می بینند. مورد بعدی که باید به آن توجه کرد این است که این اشخاص چهره تحریف شده ای از زندگی را به نمایش می گذارند. زندگی انسان تنها لذت جویی و غریزه را که ندارد؛ زندگی مجموعه ای از لذت جویی، غریزه، قانون، اخلاق، وجدان و موارد دیگر است؛ اگر چه آدمی در طول تاریخ نشان داده بیشتر میل به لذت جویی دارد اما جامعه پذیری سبب می شود انسان تن به قوانین، اخلاق و... بدهد و از لذت جویی اش بکاهد.

روی دیگر غریزه و لذت جویی، خشونت ورزی انسان هاست. فردی که بی پروا در صفحه اش نشان می دهد که به راحتی می تواند خشونت ورزی کند و مرزهای اخلاق را زیر پا بگذارد و بی پروا حریم های اخلاق و ادب را پشت سر بگذارد، وجه دیگری از شخصیت انسان ها را در میل به زیر پا گذاشتن قوانین و مقررات، چهار چوب ها و مرزها نشان می دهد. در واقع این اشخاص با این رویه پیروانی پیدا و از آنها تبعیت می کنند. اما این که افراد چطور فکر کردن را زیر پا می گذارند و از این افراد پیروی می کنند هم، اهمیت بالایی دارد؛ چون این مورد هم به نوبه خود نشان دهنده نوعی اختلال فرهنگی – اجتماعی است. متأسفانه زمانی که برخی اعضای جامعه احساس ناکامی می کنند، احساس می کنند کاری نمی توانند انجام دهند و تمایل زیادی به رفتار های توده ای و کور کورانه پیدا می شود، به همان میزان گروه گرایی هم می تواند مبتدل شود و یک فرد بی هویت و بی ریشه بتواند به عنوان رهبر عده ای را به دنبال خود بکشاند. واقعیت امر این است که جامعه با این رفتارها نشان از این دارد که تا چه حد از هویت تهی شده است. یکی از نکات مثبت و در عین حال منفی فضای مجازی این است که افراد به راحتی در آن هویتی را که می خواهند به نمایش می گزارند. مثل زمانی که یک پیام فضای مجازی می تواند پرده از فساد بی بردارد و می تواند به عنصر ضد فساد تبدیل شود، به همان میزان هم این افراد می توانند به راحتی خودشان را در این فضا مطرح کنند. در حقیقت این افراد، غول خفته در هر کدام از ما را می توانند بیدار کنند و برای خود جایگاهی در میان دنبال کنندگان شان پیدا کنند.

### مریدان مجازی و مرادان فرمانده

در شبکه های اجتماعی دو اتفاق رخ می دهد؛ یکی این که فرد به آن هویتی که در گذشته نتوانسته بود، دست پیدا می کند؛ همان هویت گمشده اش و



احمد بخارایی

جامعه شناس

بدین ترتیب در فضای مجازی خودش را هویت دار می بیند. دوم این که فرد در جامعه دافعه ای و در فضای مجازی جاذبه ای را احساس می کند. زمانی که ما در جامعه یک دافعه ای داشته باشیم، ناخودآگاه به سمت جاذبه فضای مجازی و گروه بندی فضای مجازی کشیده می شویم. این دافعه و جاذبه به شرایط اجتماعی ما برمی گردد؛ زمانی که افراد نمی توانند هویت گروهی و صنفی خود را در جامعه پیدا کنند، به سمت فضای مجازی کشیده می شوند و آن جابرای خودشان هویت کاذبی را درست می کنند. یکی دنبال هویت اجتماعی است، یکی هویت قومی، آن یکی هویت سنی، دیگری دانشجویی و... وقتی هر هویتی امکان این را نداشته باشد که در جامعه خودش شکل بگیرد، طبیعی است که به سمت سنگر کوچکی به نام فضای مجازی برود. البته در فضای مجازی هیچ وقت تعاملی شکل نمی گیرد؛ تعامل یعنی یک ارتباط دو سویه، اما آن چیزی که در این فضا شاهدش هستیم، تنها ارتباط های یک سویه است. اساساً در فضای مجازی همه از تیاطات یک سویه است و فضای مناسبی برای ارتباطات دوطرفه وجود ندارد. فضای مجازی یک فضای تنگ و محدود است و دیالوگ خاصی در آن شکل نمی گیرد؛ افراد یکه تازی می کنند، چون تصور می کنند که هویت شان را به دست آورده اند؛ آنها در این فضای مجازی خودشان را نشان می دهند که می کنند که گروه شان را پیدا کرده اند. هر چند در فضای مجازی گروه به معنای واقعی شکل نمی گیرد و ما نمی توانیم بگوییم که فضای مجازی گروهی دارد؛ آن جا افراد به صورت یک جماعت دور هم هستند. گروه معنای مشخصی دارد، یک هدف دارد، چهار چوب های مخصوص به خودش را دارد، الگوها، کنش ها و واکنش ها، مقصد و مسیر مشخصی دارد اما در فضای مجازی مثل اینستاگرام چنین اتفاقی نمی افتد. آنها دور هم یک جماعتی را تشکیل می دهند، مثلاً یک جماعت ۲۰۰ هزار نفری یا حتی یک میلیون نفری. این جماعت ماهیت گروه را ندارند، ارتباط شان یک سویه است؛ یعنی رفت و برگشتی ندارد. آنها در همین فضا رشد می کنند و فکر و اندیشه و رفتار شان اصلاح هم نمی شود. در فضای مجازی ایرانی افراد به شکل افراطی فعالیت می کنند؛ دلیل آن هم دافعه ای است که در جامعه نسبت به روند هویت یابی شان ایجاد شده است. در این شرایط هم طبیعی است که افرادی برای خودشان پیدا کنند و از آنجا که رابطه یک سویه است، در آن خبری از عقلانیت نیست و هیجانش هم بسیار بالاست. وقتی یک نفر مثلاً مدیر صفحه ای در اینستاگرام می شود و تعدادی هم دنبال کننده پیدا می کند، هر چقدر تعداد این دنبال کننده ها بیشتر شوند، او احساس قدرت می کند و دنبال کننده ها برایش حکم لشکری را برپا می کنند؛ اینها به همان اندازه که هیجانی رفتار می کنند، به همان شدت هم سطحی اند. به طور کلی در جامعه ما هیجانات و زنه سنگینی دارند و متأسفانه نقش مهمی را هم ایفا می کنند. این موضوع بسیار نگران کننده است؛ چون این رفتارهایی می تواند منجر به تغییر و تحول شود، هر چند که موج های ایجاد شده، دامنه شان کم و کوتاه است.

البته به هر حال شبکه های مجازی کار کردهای مثبت و منفی خودشان را دارند. اگر جنبه های مثبت را در نظر بگیریم، می توان گفت که یک نوع سرمایه اجتماعی در فضای مجازی شکل گرفته است؛ سرمایه ای که تعریف سابق را ندارد و شاید بتوان گفت جدید و متناسب با شرایط فعلی است. به هر حال این همه فعل و انفعالات در شبکه های مجازی شکل می گیرد، خیلی وقت ها اتفاقات مثبت رخ داده و جریانی را در جامعه ایجاد کرده و تاثیرات خودش را داشته است، اینها هم سرمایه هستند. در گذشته که شبکه های مجازی فعالیت نداشتند، شرایط فرق می کرده امی توانیم بگوییم که اینها سرمایه اجتماعی مجازی اند.



ماجر از انتشار عکس های یادگاری **مستر تیستر** با یک شتر زنده و بعد با سر بریده شده آن شتر شروع شد که ظاهراً تبدیل به یک وعده غذایی شده بود. بعد از آن یک کاریکاتور **یست گیاهخوار** که صفحه اینستاگرامی اش پر از طرح هایی در حمایت از حقوق حیوانات است، کاریکاتور **مستر** را کشید

که برای غذا با محصولات غذایی خاصی تبلیغ می کنند و در این حوزه به تولید محتوای پرزادند فقط یک انتخاب و کنش فردی نیست.